

تحلیل مرکز آمار
ایران در سال ۱۳۹۹
نشان می‌دهد که
تقریباً در تمامی
سال‌های دهه
۹۰ روند تغییرات
ضریب جینی در
کل کشور افزایش
پیدا کرده و از آنجا
که ضریب جینی
تغییرات درآمد بین
دهک‌های درآمدی
را نشان می‌دهد،
این امر به معنای
افزایش نابرابری
در طول این دهه
است.

و حاکمیتی در مسیر پایدارسازی این توزیع درآمد ناعادلانه گام برمی‌دارند. آمار موجود نشان می‌دهد که متأسفانه در دهه گذشته همین اتفاق در ایران نیز افتاده است و اگر قرار است نگاه تحولی در این زمینه رخ بدهد باید جریان معکوس بشود.

البته لازمه چنین تحولی در اصلاح توزیع درآمد و عادلانه شدن زندگی برای همگان بازتوزیع درآمدهاست؛ چراکه برای رفع فقر مطلق و فقر نسبی که از آن‌ها به ناداری و کمبودداری یاد کردیم، ناچاریم که منابعی را اختصاص بدهیم و این منابع یا از محل منابع عمومی کشور و ثروت‌های آن است که در وضعیت کنونی محدود است یا از محل بازتوزیع درآمدهاست. کمالینکه در ادبیات اقتصاد متعارف نیز یکی از اهداف مالیات‌ستانی دولت علاوه بر تأمین هزینه‌های عمومی، تأمین هزینه مبارزه با فقر و بازتوزیع درآمد است؛ چراکه در اقتصادهای متعارف نیز ثابت شده است که بازار به تنهایی توانایی کافی برای تحقق توزیع عادلانه ثروت را ندارد؛ لذا برای تحقق این امر باید منابع از افرادی که غنای وافر، تکثری و ثروت‌های بیش از اندازه دارند ستانده و با بازتوزیعی مبتنی بر کرامت، به همگان داده شود.

بنابراین اصلاح نظام مالیاتی و برقراری مالیات بر مجموع درآمد به نحوی که از افرادی که دارای درآمدهای کلان هستند مبالغی اخذ شود و به منظور جبران ناداری و کمبودداری طبقات ضعیف در جامعه استفاده شود، امری لازم و محتوم است، هم در ادبیات اقتصاد اسلامی، هم در ادبیات متعارف تا اینکه تمام مردم به سطحی شبیه به یکدیگر برسند و به اندازه کفایت از منابع و ثروت‌های عمومی بتوانند استفاده کنند.

این راه‌حل که تاکنون به دلیل وجود درآمدهای نفتی سرشار در کشور و همچنین توانایی دولت در خلق پول کمتر مورد توجه قرار گرفته است در دوره‌ای که ما در جنگ اقتصادی هستیم، ضرورت را دوچندان می‌کند؛ چراکه مشخص است با خلق پول نه تنها مشکلی در شرایط رکودی حل نمی‌شود، بلکه به واسطه تورم ایجاد شده اولین ضرردیدگان از خلق پول، طبقات محروم و مستضعفی هستند که دارایی و درآمدهای آن‌ها به شکل اسمی و نقدینه است و بیشترین بهره‌برندگان از تورم طبقات دارای ثروت و درآمدهای غیراسمی هستند؛ لذا چاپ پول و بهره‌گیری بیشتر از منابع نفتی نه تنها مشکل فقر مطلق در کشور را حل نمی‌کند، بلکه با توجه به عواقب اقتصادی و اجتماعی آن، مشکل را پیچیده تر نیز می‌نماید.

پس یگانه راه‌حل برای معضل فقر مطلق در کشور اصلاح نظام مالیاتی است. این اصلاح می‌تواند در قالب درآمد پایه هر ایرانی نیز معنا یابد. به این صورت که دولت متناسب با حقوق اقتصادی مردم مندرج در مقدمه و اصول متعدد قانون اساسی، حداقل‌های معیشت را برای تمام افراد کشور در قالب یک سبد غذایی،